باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۷۷۶۱
رده‌بندی دیویی:	۱۳۰۱ ذ ۹۸۴ ک ۲۹۷/۷۷ مرجع ☐
سرشناسه:	کیوان قزوینی، عباسعلی، ۱۲۴۰ - ۱۳۱۷.
عنوان قراردادی:	
عنوان:	ذخیره المومنین
شرح پدیدآور:	
کاتب:	محمد جواد کمره — تاریخ کتابت:
محل نشر:	[بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳۰۱ ق
صفحه شمار:	ا ج. ا بدون شماره گذاری) مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
زبان:	فارسی ابعاد: ۱۷×۱۰ نوع خط: نستعلیق
روش تهیه:	وقفی ☑ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐
واقف:	نورالدین مدرسی چهاردهی تاریخ ثبت: اردیبهشت ۱۳۳۹
یادداشتها:	عنوان رُکنیر: ذخیرة المؤمنین در فضائل و اعمال شب و روز جمعه.
موضوع(ها):	۱. اعمال السنه. ۲. دعاهای روز جمعه
شناسه(های) افزوده:	الف. کمره، محمد جواد، کاتب. ب. مدرس چهاردهی، نورالدین، واقف. ج. عنوان.
فهرستنگار:	شیبانی — تاریخ فهرستنگاری: مرداد ۸۴

۲۹۷/۷۷
ذ ۹۸۴ ک
۳۲۳
کیوان قزوینی، عباسعلی
ذ ۹۸۴ ک

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب ذخیرة المؤمنین فارسی
مصنف ملا عباسعلی کیوان قزوینی ۵۰۲۹۷
مؤلف
خطی چاپ سنگی لستیبن تهران
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۳۰۱ ه ق عدد اوراق ۷۷ ۹۱
جزء کتب ادعیه شمارهٔ ۳۲۳
شمارهٔ عمومی ۲۵۶۷۲ شمارهٔ قبض
واقف ... تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۲۹
طول ۱۷ عرض ۱۰ گنجهٔ

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

۹۹/۳/۲۳

۲/۳/۲۴ بر

این کتاب مستطاب بحضرت
کیوان قزوینی روحی له الفداء را
به کتابخانه آستان قدس رضوی
تقدیم میدارد
بنده آستان کیوان
نور الدین مدرس چهاردهی

کتاب ذخیرة المؤمنین در فضایل و اعمال شب و روز جمعه

از تالیفات فخر المحققین و رئیس المتبحرین و افصح المتکلمین قدوة الاتقیاء و نخبة الاذکیاء المولی الورع التقی النقی السنی الشیخ عباسعلی القزوینی زید فضله

قیمت کتاب هر جلدی پنجشاهیست

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

هذا کتاب بسم الله الرحمن الرحیم تحفة المؤمنین

الحمد لله والصلوة علی حجج الله واللعنة علی اعداء الله والحمد لله الذی عسر فهم ذاته ولم یکن
عمیان القلب والحمد لله الذی جعلنی من امة محمد صلی الله علیه وآله ولم یجعلنی من سایر
الامم والحمد لله الذی جعل رزقی فی یده ولم یجعله فی ایدی الناس والحمد لله الذی
ستر عیوبی وذنوبی ولم یفضحنی من الناس وبعد چنین گوید عبد عاصی
عباسعلی القزوینی ابن سید الفقهاء وسند الاتقیاء الحبر الجلیل والنحریر النبیل
الملا اسمعیل ابن علی بن معصوم زید عزه چون در فرید چهل هشتم از کتاب
کنوز الفرائد بعضی از فضائل و اعمال شب و روز جمعه نوشته بودم و مردم نیز
بسیار طالب بودند لذا طلباً لمرضات الله او را فارسی نمودم بعبارت
بسیار سهل تا نفع عام بخشد و امید قبول دارم و اولا ذکر شود بعون الله دو مقدمه
مقدمه اولی بدانکه خدا تمام انسان را برای بهشت آفریده این بود که اول آدم را در بهشت
جا داد که او و اولاد او همه آنجا باشند ولی چونکه هنوز آدم عبادت خدای عالم را نکرده
بود تا کامل شود خدا خواست امتحانش کند تا ظاهر گردد که قابلیت بهشت دارد
یا نه پس فرمود از هر میوه بخور مگر فلان درخت و آدم چون کامل نبود عاصی شد
و خورد پس خدا فرمود حال که قابلیت ندارید پس بروید در دنیا خود را بعبادات
کامل کنید بعد برگردید بهشت پس فرود فرستاد ما را برای تحصیل کمال و قابلیت
مثل آن تاجری که در وطن خود مایه نداشته بغربت رود برای جمع کردن مایه و چنانچه
همچو تاجر اگر بزرگی داشته باشد در وقت رفتن بغربت باو دستور العمل میدهد
همچنین خدا که بزرگ بزرگانست بما دستور العمل داده که از عبادت مایه برداریم و راه

عبادت

عبادت را بما نموده است پس اگر ما عمل [illegible] خود ضرر زده ایم و خود بیمایه
مانده ایم پس ای عزیز ما همه در دنیا غریبیم و در فکر وطن باید باشیم چگونه
تاجر در غربت آرام ندارد تلاش میکند بوطن برگردد و در غربت خانه
بنا نزد و عیال نمیگیرد و لباس خوب نمیپوشد اگر چنین کار کند
مردم مذمتش میکنند که مگر خیال وطن نداری ما هم باید در دنیا عاریةً خانه و عیال
و مال داشته باشیم مثل غریبی که خانه کرایه کند و زنی متعه کند و در وطن
نامزد و خانه داشته باشد زیرا که نامزد اصلی مؤمنین حور العین است که
همیشه خود را آراسته و منتظر قدوم مؤمنین هستند و خدا از لطف [illegible]
دنیا را بما نموده تا دل باو نبندیم پس ای عزیز چشم دل بگشا ببین هیچ خانه
و مال و عیالی وفا بصاحبش نمیکند مال مردم است در دست ما
و خانه مردم مسکن ما و زن مردم زن ما و از ما خواهد بدیگری منتقل شد
ای صاحب غیرت که راضی نمیشوی کسی در مال و خانه تو طمع کند و بزن تو
نگاه کند چگونه خواهی بود بعد از مردن پس فراموش مکن مردن را چگونه
هر روز در خیال نان و آبی که شب آسوده باشی و هر [illegible] در خیال زمستانی
و حال آنکه یقین بزندگی نداری پس فکر منزلی کن که یقیناً خواهی رفت
و همیشه خواهی در آنجا ماند در دنیا لذتی نیست آخرت همه لذتست در دنیا
همه میمیرم در آخرت مردن نیست زیرا هر که یک نفس در دنیا بزندگی
کشیده دیگر مردن محال است اهل بهشت و جهنم همیشه خواهند بود
در نعمت و عذاب پس کاری کن بهشت روی پیغمبر فرمود بعد از این مردم
آیند که شش چیز دوست دارند و شش چیز دیگر فراموش کنند دوست

دارند

دارند خلق را و فراموش کنند خدای خالق را دوست دارند مال را
فراموش کنند حساب را و دوست دارند گناه را و فراموش کنند
توبه را دوست دارند قصرها را و فراموش میکنند قبرها را دوست دارند
زندگی را و فراموش کنند مردن را دوست دارند دنیا را و فراموش
کنند آخرت را الحدیث پیغمبر فرمود بر عرش شش سطر نوشته از زبان خدا
اول من دوستم با آنکه دوست نیست دویم اجابه میکنم کسیرا که دعا کند
سیم آمرزنده ام کسیرا که طلب آمرزش کند چهارم زیاد کننده ام نعمت او را
که شکرم کند پنجم هم نشین کسی هستم که مرا یاد کند ششم یاری کننده کسی هستم
که از من طلب یاری کند پس ای غافل بیا از غفلت ار گوش بکش ببین چه خدا داری
خدائیکه اینقدر مهربان کریم باشد معصیتش کنی و عبادتش نکنی حیا کن
از خدای کریم تو را می بیند تو در پیش چشم او معصیت میکنی هر که حیا ندارد ایمان ندارد
نمی بینی اگر غلامی خرج آقایش خورده و فرمان او نبرد بلکه طاعت خارجی کند
همه مذمتش کنند پس ما بندگان نافرمان چگونه باشیم که در ملک خدا روزی
خدا خوریم و طاعت شیطان کنیم که دشمن ما و دشمن خداست چرا فرمان خدا نبریم که
که خود میفرماید هر که یکقدم بسوی من آید من ده قدم بسوی وی آیم و فرماید که من خودم محتاج
ندارم که عمل صحیح بدرگاه من آید بلکه عمل شکسته بیاورید من درست کنم عزیزا از تنهائی
در دنیا از فقر شکایت مکن زیرا پیغمبر فرمود که فقرا پانصد سال پیش از اغنیا داخل
بهشت شوند و دو رکعت نماز فقیر صابر شاکر بهتر است از هفتاد رکعت غنی
پس فقیر دنیا غنی آخرت است بعدل خدا میزان بود دنیا و عقبا کفها عزیزا اگر بت
گمان بهشت میکنند بدانکه مثل دنیا شهریست که تمام کوچه و محله اش پر از

طلا و نقره و جواهر باشد اگر کسی بچنین شهری رود از آنها بردارد پس
هر چه فرصت داری در دنیا بردار از این جواهر عبادات که دیگر بعد از این
بدستت نمیاید گرچه در دنیا شخص قدر آنها را نمیداند اما در آخرت میفهمند
زیرا دنیا مثل ظلمات است و ثوابها مثل ریگ شخص در دنیا نمیداند که اینها ثوابست
یا ریگ اما بعد از مردن می بیند همه جواهر است آنگاه هر که ثواب کرده پشیمان
میشود که چرا زیادتر نکردم و هر که هیچ ثواب نکرده پشیمانیش زیادتر عزیزا آن
پشیمانی فائده ندارد الان فرصت است برادر هر قدر میتوانی ذخیره کن و از گناهان
پشیمان شو خدا را بیامرز دو الا در آخرت خواهی پشیمان شد اما ثمر ندارد
و نیز در آخرت خواهی بر حال خود اینقدر گریه کرد که بخون خود غلطید ولی ثمر
ندارد اما در دنیا اگر یکساعت بحال خود فکر کنی که آخر تو چگونه خواهد شد
و برای خود غصه خوری ثواب هفتاد سال عبادت میبری ای عزیز بتحقیق در
هر جزء عمل خیری اینقدر ثواب هست که جز خدا کسی نمیداند ما اگر در فکر خود نباشیم
خدا چکند چنانچه پیغمبر فرمود هر که هر وقت صدای اذان میشنود بگوید
بگوید مرحبا بالقائلین عدلا و بالصلوة مرحبا و اهلا صد هزار حسنه در نامه عملش ثبت
میشود و صد هزار سیئه از او محو میشود و صد هزار درجه برایش بلند میشود شخصی از
علما شنید تعجب کرد از اینقدر ثواب از برای دو کلمه شبی در خواب شنید
گوینده از زبان خدا میگوید ای فاضل مگر نشنیده که شاعری دو شعر از برای
پادشاهی ساخته بود و برا خوشش آمد صد هزار تومان بان شاعر داد که پادشاه
پادشاهانیم از ما این ثواب ها عجب نیست بلی هر که بدرگاه خدا آشنا باشد
از اینها بیشتر میداند اگر از خدا دور باشد بخود ظلم کرده عزیزا اگر [illegible]

کتابخانه آستانه مقدسه قم

بپرسند که خدا تو مهربانتر است یا خودت خواهی گفت هیچکس از خودش نسبت بکسی
مهربانتر نیست ولی من میگویم خدا مهربانتر است تو از خودت زیرا اگر تو بخود
مهربانی پس چرا در فکر خود نیستی بلکه بخود ضرر میزنی معصیت میکنی بفکر مردن
و حساب کشیدن نیستی دروغ است یا از تو دوست بر میدارند بخدا هرچه کنی احسان
میبینی پس باین چهار کلمه عمل کن که خیر دنیا و آخرت برای تو است حق بگو حق بشنو
حق بده حق بگیر اما خدا همیشه در خیال تو است بهانه میطلبد که تو را بیامرزد
او تو را بهشت ببرد تو رو بر میگردانی بجهنم میل میکنی پس تو بخودت دوست
نادانی که دوست نادان از دشمن بدتر است ولی خدا تو دوست دانا است
مخفی نماند که بعد از آنکه خدا مردم را بدنیا فرستاد برای تحصیل کمال مردم در
دنیا سه قسم شدند بعضی نمیدانند که برای چه آمده اند و بکجا خواهند رفت و آنها
مستضعفین اند که عملشان با خدا است و بعضی میدانند و نمیکنند دنیا ایشانرا
فریب داده بمال و اولاد گول خورده اند و بعضی میدانند و میکنند ایشانها
بهترین مردمانند ولی خدا همیشه میخواهد بندگان بخود نزدیک کند ولی آنها دور
میروند لذا از لطف بعضی از اوقات را مثل شب و روز جمعه و عیدها و ماه رجب و شعبان
و رمضان اوقات شریفه قرار داده و عمل در آنها را ثواب بیشتر داده تا بند
گان غافل بطمع افتند و با میل بدرگاهش رو کنند لامحاله هر هفته
یکشب و روز جمعه را در یاد خدا باشند زیرا که اگر همه ایام را مثل جمعه قرار
میداد مردم کسل میشدند و میل نمیکردند و الا خدا یکی است و در جمعه و شنبه
تفاوت نمیکند هر وقت عبادت کنی همان جمعه است خدا مثل مردم نیست
گاهی خوشحالت باشد گاهی بدحالت همیشه در گردش باز است و خزینه

و خزینه رحمتش را هرگز نبسته وای بر ما اگر ما خود کوتاهی کنیم بدانکه هرچه ائمه فرمایند
همان است که خدا فرموده زیرا هرکه چیزی گوید بزبان خود میگوید و ائمه اطهار
زبان خدایند پس خدا بزبان خود میفرماید که شب و روز جمعه آقای شبها و روزها
و در این روز خدا آزاد میکند از جهنم گناهکاران را هرکه در شب و روز جمعه بمیرد مثل شهید است
و از قبر بیاید با ایمنی از هول قیامت و در این شب و روز هست ساعتی مثل اسم
اعظم هرکه هرچه دعا کند مستجاب شود پس همیشه باید مشغول دعا شد شاید
بآن ساعت درک شود امام رضا ع فرمود خدا هر شبی در ثلث آخر ملکی میفرستد
باسمان اول ولی در شب جمعه از اول شب میفرستد و آن ملک تا صبح در آسمان
اول است رو بزمین میکند بامر خدا میگوید آیا سؤال کننده هست تا
من عطا کنم آیا توبه کننده هست تا قبول کنم آیا گناهکاری هست که طلب
آمرزش کند من بیامرزم پس ای طالب خیر رو بیا و بخدا ای طالب شر
کم کن گناه را حیا کن از خدای کریم پس وای بحال کسیکه در شب جمعه
مشغول غیبت و شرب خمر و قمار و مال مردم خوردن و معصیت دیگر باشد
امیر المؤمنین ع فرماید نیست روزیکه بهتر از جمعه باشد هرکه بمیرد در جمعه در حالتیکه
عارف بحق محمد و آل محمد باشد خدا مینویسد برای او برات بیزاری از جهنم را
و ایمن میشود از عذاب قبر امام محمد باقر ع فرماید هر شب جمعه خدا از بالای عرش میفرماید
آیا بنده مؤمنی نیست که حاجت دنیا و آخرت از من بخواهد تا من برآورم
آیا توبه کننده نیست که پیش از صبح توبه کند تا قبول کنم آیا فقیری نیست
که مرا بخواند من روزیش زیاد کنم آیا مریضی نیست که بخواند شفایش دهم
آیا محبوسی و غمگینی نیست که بخواند من از حبس خلاصش کنم و غمش بردارم

هزارم آیا مظلومی هست که بخواند من داد او را از ظالمش بستانم حضرت میامد در فرمایا
یعقوب با اولادش وعده دعا داد پس شب جمعه وقت سحر دعا کرد بدرستیکه
مومن از خدا حاجت میطلبد پس خدا استجابت را تاخیر میاندازد تا شب جمعه بر میآورد
حاجتش را امضا فرمود شب جمعه بزمین میآیند ملائکه بعدد ذرات و در دست
قلمهای طلا و کاغذهای از نقره و می نویسند تا شب شنبه بکثر صلوات
پس زیاد صلوات بفرستید و در سایر روزها هر روز صد مرتبه صلوات
مستحب است ولی در هر روز جمعه هزار مرتبه مؤلف گوید اگر روزی بهتر از جمعه میشد
او عید محمدی میشد پس ای محمدیان در عید محمدی صلوات محمدی بفرستید در
قیامت عمل بنده را بمیزان عدل بسنجند گناهش بیشتر آید ملائکه عذاب
حکمش کشند او نرود گوید من امت محمدم امید نداشتم که مرا بجهنم برند
با یهود و نصارا همدم سازند ملائکه گویند آن محمد است که در سایه عرش
نشسته با و پناه برد این بنده فریاد کند السلام علیک یا رسول الله بفریادم
برس حضرت بشتاب آید عرض کند خدایا بگذار من دوباره حسابش
بکشم پس دوباره حسابش کشند بار گناهش زیاد آید پس حضرت یکنامه
درخشان از بغل برآورد بروی ثوابهای آنمرد گذارد پس ثوابش بیشتر آید به
بهشتش برند پس فرماید آنمرد در دنیا یکمرتبه بر من صلوات فرستاده
بود من امانت نگه داشته بودم آن نامه درخشنده ثواب آن صلوات بود

حکایت زنی دخترش مرده بود شبی در خواب دید در عذاب است
بیدار شد گریه کرد وقت دیگر در خواب دید در میان نعمت است پرسید گفت
امروز شخصی آمد در قبرستان چند صلوات فرستاد هدیه کرد برای اموات

حکایت روزی جبرئیل بخدمت پیمبر رسید عرض کرد امر عجیبی دیدم
الان میآمدم گذارم افتاد بکوه قاف صدای ناله شنیدم رفتم دیدم
ملکی معذب افتاده که من او را میشناختم در آسمان بکرسی نور می‌نشست
از نفس او ملائکه خلق میشد پرسیدم گفت آنشب که محمد بمعراج میآمد
من حق تعظیم بجا نیاوردم پس خدا مرا معذب ساخته تا بحال اینجا افتاده‌ام
جبرئیل گوید در حق او دعا کردم ندا از مصدر جلال الهی آمد که بگو بمحمد صلوات
فرستد تا من گناهش بیامرزم پس گفتم او صلوات فرستاد بمرتبه
خدا باو بالها داد عروج کرد بمکان خود حکایت روزی مرد فقیری
بخیال تحصیل روزی از خانه بیرون شد رسید جائی دید واعظی نشسته
میگوید هر که صلوات فرستد روزی از آسمان میرسد آنمرد برخواست بخانه
رفت دیگر بخیال روزی نیفتاد و کارش را منحصر بصلوات نمود تا روزی
از خرابه میگذشت پایش بسنگی برخورد سنگ بلند شد سبوئی نمایان شد پر از
زر سرخ آنمرد گفت روزی من باید از آسمان برسد دخلی بزمین ندارد و باز سنگ را
گذاشت بخانه آمد بار زنش این کیفیت را گفت زنش ملامت نمود که همان از خدا
ببرکت صلوات رسانده بود چرا برنداشتی آنمرد همسایه یهودی داشت
آنساعت در بالای بام بود فقره خرابه و سبوی زر را شنید فی الفور رفت
و سبو را آورد دید پر از عقرب است گفت آنمرد مسلمان دانست که من در بامم عمداً
چنین کرد که من بشنوم و بیاورم که عقربها بکشندم پس سبو را برداشت ببام
آنمرد مسلمان آمد دید با زوجه اش در نزاعند سبو را معلق کرد بسر آنها که عقربها ایشان را
بگزند ولی دید همه طلاست ریخته میشود اما آن مسلمان که طلا را دید گفت این نگفتم

نکنم که روزی مار از آسمان می‌رسد پس هر دو صلوات میفرستادند و جمع میکردند یهودی
که زن زاست دیگر نریخت چون نگاه کرد دید همه عقرب مار ریخت دید زن زشت است از
برکت صلوات نیست برید آمد در دست آنحضرت مسلمان شد حکایت در زمان پیغمبر مردی ماهی
خرید بر روی آتش گذاشت هر چه دمید بریان نشد تعجب نمود برداشته بهمراه آورده
خدمت حضرت پیغمبر حضرت از ماهی پرسید ماهی بزبان حال آمد که یا رسول الله
در دریا بودم روزی یکی از اهل کشتی بتو صلوات فرستاد من نیز فرستادم
پس از خداوند امین رسید که من تو را با آتش حرام کردم حضرت صادق فرمود بعد از
نماز صبح صد مرتبه صلوات بفرست تا خدا روی تو را از آتش جهنم نگه دارد و پیغمبر
فرمود هر که بعد از هر نماز واجبی ده مرتبه صلوات بفرستد روز قیامت نزد من باشد
و روی او مثل ماه شب چهارده ایضا هر که صدای عطسه کسی را بشنود بگوید الحمد لله و صلوات
هم بفرستد هرگز دندان و چشمش درد نکند ایضا هر که گلی بدست گیرد ببوید و بچشمها مالد
و صلوات بفرستد هنوز آن گل را بزمین نگذاشته که خدا او را بیامرزد پیغمبر فرمود
صلوات نمیفرستد بر من احدی مگر آنکه صلوات میفرستد بر او هفتاد هزار ملک حضرت
صادق فرمود هر عملی در شب و روز جمعه یکی هزار است پس یک صلوات در شب جمعه
باعث هزار ثواب و ریختن هزار گناه و بلند شدن هزار درجه و روشنی روی است
در قیامت ایضا هر که بعد از نماز عصر جمعه هشت مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیه و علیهم
ثبت نماید خدا صد هزار حسنه و محو نماید صد هزار گناه و بلند کند صد هزار درجه و بعد
هر کسی او را بگیرد ثواب باشد پیغمبر فرمود هر که شب یا روز جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد
خدا بر آورد برای او هفتاد حاجت دنیا و سی حاجت آخرت بغافل اینها همه لطف است

ورحم الله [illegible]

لطف است از آنجمله امام زین العابدین فرمود هر که بعد از نماز صبح تسبیح را بدست بگیرد
و یکمرتبه بگوید اللهم انی اصبحت اسبحک و امجدک و احمدک و اهللک بعدد ما ادیر به
سبحتی از روز تا شب تسبیح بگرداند هر دانه ثواب یک سبحان الله نوشته میشود که هر یک
سبحان الله بهتر است از ملک سلیمان اما طریقه صلوات پیغمبر فرمود که صلوات کامل آنست که
بگویند اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم و بارک
علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید کمتر از این اللهم صل علی
محمد و آل محمد و صلی الله علی محمد و آله ابدا که صلوات مستحب موکد است هر که اسم محمد یا احمد
بشنود باید بگوید فورا اگر چه در میان نماز است واجب یا مستحب باشد ولی آقای شیخ زین
العابدین سلمه الله تعالی میفرمایند کسیکه در سر نماز واجب اسم پیغمبر را بشنود صلوات
بفرستد ولی بقدر صلوات آرام بگیرد و بعد نماز را بخواند اما در نماز مستحب البته باید
صلوات را بفرستد اگر ده دفعه بشنود باید ده مرتبه صلوات بفرستد زیرا خود پیغمبر
فرمود هر که اسم مرا بشنود صلوات نفرستد داخل آتش میشود حضرت صادق
فرمود هر که در سجده آخر از چهار رکعت نافله مغرب شب جمعه بلکه هر شب بگوید
هفت مرتبه اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم و اسئلک باسمک العظیم ان تصلی
علی محمد و آله و ان تغفر لی ذنبی العظیم خدا همه گناهانش را میآمرزد ایضا
هر که شب جمعه ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل علی البریة یا صاحب المواهب السنیة
یا باسط الیدین بالعطیة صل علی محمد و آله خیر الوری سجیة اغفر لنا فی هذه العشیة
نوشته میشود هزار هزار ثواب و آمرزیده میشود از او هزار هزار گناه و بلند کرده میشود
از برای او هزار هزار درجه در قیامت مزاحمت میکند با ابراهیم خلیل در نشستن
یعنی در نزد او می‌نشیند اللهم وفقنا و ایضا هر که بخواند سوره کهف را که الحمد لله

که بمنزلهٔ وسط قرآن است شب جمعه کفارهٔ گناهان و می شود تا جمعهٔ دیگر و هر که بخواند
اذا وقعه را هر شب جمعه خدا او را دوست میدارد و او را محبوب القلوب میکند
و هرگز در دنیا بدی و بلا و فقر نمی بیند و در آخرت از رفقای امیرالمؤمنین است
و در قیامت روی او مثل ماه شب چهارده میدرخشد هر که میخواهد اوصاف بهشت را
بداند تا او را از خدا بخواهد و اوصاف جهنم را بداند تا از و بخدا پناه برد بخواند سوره اذا وقعه را
و حضرت صادق فرمود هر که شیعهٔ ما باشد باید در نماز مغرب و عشا شب جمعه
و سوره سبح اسم ربک الاعلی را بخواند و در رکعت اول نماز جمعه سوره جمعه و در
رکعت دویم سوره اذا جاءک المنافقون را هر کسی عمل کرده بطریقهٔ پیغمبر و ثوابش
بهشت است و هر که سوره الم السجده را شب جمعه بخواند نامهٔ عملش را بدست راستش
دهند و حسابش نکنند اگرچه عاصی باشد و در جنة النعیم که یکی از هشت بهشت است
از رفقای محمد ص باشد و هر که سوره بنی اسرائیل را بخواند نمیرد تا صاحب الزمان را ببیند
و از اصحاب او گردد و مستحب است خواندن سوره یس در هر شب جمعه و هر صبح زیرا
هر که شب بخواند خدا فرستد هزار ملک را که نگاهدارند او را از هر بلیه و شر شیطان تا صبح
و اگر صبح بخواند هزار ملک حفظش کنند از هر بلا تا شب و هر کرا غم بزرگی باشد بخواند سوره
یس را چون بآیه سلام قولا من رب الرحیم رسد او را هفتاد مرتبه بگوید بعد سوره را
تمام کند البته غمش زائل شود و مقصودش بر آید بکرات تجربه شده هر که قرض داشته
باشد بخواهد ادا شود از شب جمعه تا دوازده شب هر شبی دو رکعت نماز حاجت کند
بعد از نماز صد مرتبه بگوید یا حی یا قیوم و هزار مرتبه یا دهاف علامه مجلسی فرماید شب جمعه
ملاحظه میکردم دعاها را تا دعای کوچکی دیدم خواندم شب جمعه دیگر خواستم بخوانم
آوازی شنیدم که ایها الفاضل الکامل هنوز کرام الکاتبین از نوشتن ثواب آن دعا

بسمله
آن دعا که شب جمعه گذشته خواندی آسوده نشدند باز میخواهی بخوانی دعا این است بعد از
الحمد لله من اول الدنیا الی فنائها و من الآخرة الی بقائها و الحمد لله علی کل نعمة
و استغفر الله من کل ذنب و اتوب الیه یا ارحم الراحمین و خواندن این دعا هر وقت و نسبت ترک نشود
مستحب است در نماز صبح جمعه در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلنا بخواند زیرا
حدیث وارد است کسیکه انا انزلناه در نماز واجبی بخواند منادی ندا کند که خدا آمرزید
تو را پس عملت را از سر بگیر و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد و بعد از نماز صد
مرتبه سوره قل الله بخواند بعد صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
در خبر است هر که صبح جمعه ناشتا یک دانه انار بخورد تا چهل روز دل او نورانی باشد
و کسیکه دلش نورانی شد معصیت نمیکند اگر دو دانه بخورد تا هشتاد روز
سدیر بن الحکیم گوید حضرت صادق به من فرمود آیا هر روز زیارت میکنی قبر حسین را
گفتم نه فرمود هر ماه گفتم نه فرمود هر سالی گفتم گاه گاهی فرمود چه قدر جفا میکنید
در حق حسین مگر نمیدانی که هزار هزار ملک ژولیده در دور قبر حسین همیشه گریه
میکنند و زیارت میکنند و هرگز کسل نمیشوند گفتم من از قبر حسین دورم
فرمود پس هر روز برو بالای بام پس بدست راست و چپ و بالای سر
آسمان نگاه کن پس رو کن بسمت قبر حسین بگو السلام علیک و رحمة الله و برکاته
چون چنین کنی نوشته میشود برای تو ثواب یکحج و یک عمره سدیر گوید من چه
ماهی زیاده بر بیست مرتبه اینکار میکردم ایضاً آنسرور فرمود هر که خواهد زیارت
کند قبر پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین و تمام ائمه را غسل کند روز جمعه و بپوشد دو جامه
پاکیزه و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بهر سوره که خواهد بخواند پس برخیزد
رو بقبله بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام
علیک

عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ المُرسَلُ وَالوَصِیُّ المُرتَضی وَالسَّیِّدَةُ الکُبری وَالسَّیِّدَةُ
الزَّهراءُ وَالسِّبطانِ المُنتَجَبانِ وَالاَولادُ وَالاَعلامُ وَالاُمَناءُ المُنتَجَبونَ
جِئتُ لِنَقطاعاً اِلَیکُم وَاِلی آبائِکُم وَوُلدِکُمُ الخَلَفِ عَلی بَرَکَةِ الحَقِّ فَقَلبی
لَکُم سِلمٌ وَنُصرَتی لَکُم مُعَدَّةٌ حَتّی یَحکُمَ اللهُ لِدینِهِ فَمَعَکُم مَعَکُم لا مَعَ عَدُوِّکُم
اِنّی مِنَ القائِلینَ بِفَضلِکُم مُقِرٌّ بِرَجعَتِکُم لا اُنکِرُ لِلّهِ قُدرَةً وَلا
اَزعَمُ اِلّا ما شاءَ اللهُ سُبحانَ اللهِ ذِی المُلکِ وَالمَلَکوتِ یُسَبِّحُ بِاَسمائِهِ جَمیعُ
خَلقِهِ وَالسَّلامُ عَلی اَرواحِکُم وَاَجسادِکُم وَ
رَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ و ایضا در بالای بام خانه نیز توان گفت
اللهم و ایضا و غسل جمعه که ثوابش نمیشود شمرد و بعضی واجب دانسته اند ولی باید
ترک نشود از هر که فوت شود تا جمعه آینده وقت قضاش باقیست قضا کند
وقت ادا از اول صبح تا ظهر و بعد از ظهر نه اداست نه قضا بنیت قربة الی الله
کند و از شب شنبه قضا است و در اول غسل جمعه بلکه هر غسل و وضو بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم گناه تمام اعضایش بریزد هر که دولت خواهد هر روز جمعه
هفتاد مرتبه بگوید بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ یا مُفیدُ یا عَفُوُّ یا
وَدُودُ اَغنِنی بِحَلالِکَ عَن حَرامِکَ وَبِطاعَتِکَ عَن مَعصِیَتِکَ وَبِفَضلِکَ عَمَّن سِواکَ
پس نگذرد سه جمعه مگر آنکه غنی گردد مجربست در روز جمعه ناخن و شارب
گرفتن زیاد میکند روزی را اگر ناخن نداشته باشی کارد بمال بنوک
ناخن همان ثواب میبری هر که وقت گرفتن ناخن روز جمعه بگوید بسم الله
وبالله وعلی سنة محمد وآل محمد صلوات الله علیهم بعد هر ناخنی که میگیرد ثواب یک بنده آزاد
کردن دارد چند روزی بر پیغمبر وحی نازل نشد پرسیدند فرمود شما

ناخن و شارب را نمیگیرید مستحب است روز جمعه خود را معطر ساختن
بلباس خوب پوشیدن و برادر دینی خود را خوشنود کردن
بعیال مهربانی کردن و ترک کار دنیا کردن مکروهست سفر کردن پیش
از ظهر و شعر خواندن مگر مدح ائمه صلوات الله علیهم و ایضا هر که عصر جمعه هفت
مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادفَع عَنِّی البَلاءَ المُبرَمَ مِنَ السَّماءِ
اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ از جمیع بلیات محفوظ
باشد و ایضا در عصر جمعه باید گفت یا مَن خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ
عَلَیهِ وَآلِهِ اِختِم لی مِن یَومی هٰذا بِخَیرٍ وَشَهری بِخَیرٍ
وَسَنَتی بِخَیرٍ وَعُمری بِخَیرٍ و ایضا در آخر روز جمعه مستحب است
دعای سمات که فائده او را وصف نتوان کرد در خبر است اگر مردم بدانند
فائده دعای سمات را هر آینه خود را میکشند برای تحصیل او خصوصا برای
هلاک دشمن و دفع بلا البته غافل مباشید همین دعا در میان بنی اسرائیل
معروف بود اسم او را شبور میگفتند تمام شد کتاب
ذخیرة المؤمنین بعون الملک الوهاب سید
اقل الطلاب محمد جواد کمرهٔ
فی سنه ۱۳۰۱

مؤلف گوید

بدانکه غیبت در انظار بو حقیر و خفی و غالب الصدور است از غالب مردم و چون
حق الناس است توبه تنها رفع نشود و گناهیست موجب هزار گناه ناکرده
و بر ذمهٔ هزاران ثوابها کرده ولی این بنده برایش چاره پیدا کرده از لطف خدا

بر بندگانش اظهار میکند اما چاره دفع ثواب آنکه هر روز به
میکنی از کم و زیاد او را امانت بگذار نزد خدا یعنی بگو خدایا او
خدمت نزد تو بود دیگر غیبت او را نمیبرد زیرا غیبت هرچه روز
نیست ببرد و چون امانت گذاشتی خدا او را از نامهٔ عمل بیرون
عرش پنهان دارد زیرا کرید و مت خود امانتی بسپاری در
تو میاید ستش با و نمیرسد اما چارهٔ اصل گناه آنکه تو خود را
قلباً نه لساناً از آنکسانیکه غیبت تو را کرده‌اند محض رضا
پس خدا میکه از تو کرمتر است راضی کند کسانیکه تو غیبت
کرده از تو با بنکونه که پس از مردن آنها نعمتهای برانها بنمایند و
که شرط رسیدن بآنها اینست که از فلانی که غیبت شما کرده
شوید پس عزیزا بدانکه خدا چارهٔ هرچیز را آسان
فرموده برای نفع ما پس ما باید از نفع خود
غافل نباشیم خدا بهمه توفیق
الهی بحق محمد
و آله الطاهرین

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

۲۹۷
/۱۷۷
ک
۹۸۳
ن
۱۳۰۱